

## نگاهی به اهمیت خانواده در نهج البلاغه



رامین نژادپر

پژوهشگر

خانواده، به عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره در آموزه‌های دینی و متون اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است. در میان این متون، نهج البلاغه به عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع)، توجه عمیقی به روابط انسانی به ویژه در چارچوب خانواده دارد. یکی از محوری‌ترین جنبه‌های خانواده که در نهج البلاغه به آن پرداخته شده رابطه میان پدران و فرزندان است. این رابطه نه تنها از منظر تربیتی، بلکه از جنبه‌های اخلاقی و معنوی نیز در کلام امام علی (ع) بسیار مهم است.

### توصیه‌های تربیتی امام علی (ع) به فرزندان

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های توجه امام علی (ع) به رابطه پدر و فرزند، نامه‌ای است که ایشان به فرزندش امام حسن (ع) نوشته است. این نامه که به نوعی یک منشور تربیتی محسوب می‌شود حاوی توصیه‌های اخلاقی، دینی و تربیتی برای رشد معنوی و اجتماعی فرزند است. امام علی (ع) در ابتدای این نامه با بیان محبت و دلسوزی پدانه می‌فرماید: «از پدری فانی به فرزندی آرزومند که در دست حوادث اسیر است و عمرش رو به کاستی می‌رود...». این بیان نشان می‌دهد که رابطه پدر و فرزند در نگاه امام ریشه در محبت، دلسوزی و مسئولیت‌پذیری دارد. امام علی (ع) در این نامه توصیه می‌کند که فرزند باید از تجربه‌ها و دانش پدر بهره‌مند شود تا مسیری روشن در زندگی داشته باشد. ایشان با تأکید بر ارزش‌های دینی، فرزند خود را به تقوا، صداقت و حق‌مداری فرا می‌خواند.

### نقش پدر در هدایت معنوی

#### فرزندان

یکی از وظایف اصلی پدر در دیدگاه امام علی (ع)، هدایت معنوی فرزندان است. امام در نامه‌های خود به اهمیت آموزه‌های دینی و اخلاقی برای فرزندان اشاره کرده و بر ضرورت فراهم‌سازی



زمینه رشد فکری و معنوی تأکید دارد. در نهج البلاغه، تربیت فرزندان نه به عنوان یک مسئولیت صرفاً اجتماعی، بلکه به عنوان یک وظیفه الهی مطرح می‌شود. پدر باید با بهره‌گیری از علم و تجربه خود، فرزند را از اشتباهات و لغزش‌های احتمالی بازدارد. امام علی (ع) در یکی از حکمت‌های خود می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نیکو تربیت کند، نام نیکو بر او بگذارد و قرآن را به او بیاموزد». این جمله نشان می‌دهد که تربیت فرزند نه تنها شامل جنبه‌های اخلاقی و رفتاری، بلکه شامل آموزش‌های معنوی و دینی نیز می‌شود. در این نگاه، پدر باید الگویی عملی برای فرزند خود باشد و رفتار او الهام‌بخش ارزش‌های والای انسانی و الهی باشد.

### احترام به فرزندان: بُعد متقابل رابطه

در نهج البلاغه، علاوه بر تأکید بر وظایف پدر نسبت به فرزند، به اهمیت احترام به شخصیت و جایگاه فرزندان نیز اشاره شده است. امام علی (ع) با درک عمیق از روان‌شناسی انسانی، به پدران توصیه می‌کند که فرزندان خود را با محبت و احترام تربیت کنند و از برخوردهای خشن یا تحقیرآمیز بپرهیزند. این توصیه‌ها نشان‌دهنده توجه امام به حفظ عزت نفس و کرامت انسانی فرزندان است.

امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های می‌فرماید: «دل جوانان همچون زمین خالی است؛ هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد».

این بیان حکمت‌آمیز بر نقش پدر در شکل‌دهی شخصیت فرزند تأکید می‌کند. پدر باید با مهربانی و درایت، آموزه‌هایی را به فرزند منتقل کند که زمینه‌ساز رشد معنوی و اخلاقی او باشد. براساس آنچه گفته شد رابطه

پدر و فرزند در نهج البلاغه نه تنها به عنوان یک رابطه عاطفی، بلکه به عنوان یک مسئولیت الهی و اخلاقی مطرح شده است. امام علی (ع) در کلام خود به پدران توصیه می‌کند که با محبت، احترام و هدایت آگاهانه، فرزندان خود را در مسیر کمال و سعادت هدایت کنند. در عین حال به فرزندان نیز توصیه می‌شود که از تجربه‌ها و دانش پدران بهره‌مند شوند و نسبت به آنان احترام و محبت داشته باشند. نهج البلاغه با تأکید بر اهمیت خانواده و نقش پدران و فرزندان در تربیت یکدیگر، الگویی عملی و الهی برای استحکام نهاد خانواده ارائه می‌دهد. این آموزه‌ها، اگر به درستی در زندگی به کار گرفته شوند، می‌توانند زمینه‌ساز تربیت نسلی پویا، مسئول و متعهد به ارزش‌های الهی و انسانی باشند.

خواندن سخنان گوهریار از  
امیرالمومنین علی (ع) می‌تواند  
نگاه و مسیر انسان را به زندگی  
تغییر دهد.

به احترام پدر و معلم  
از جابر خیز  
گرچه فرمانروا باشی

نشانی سبز  
شهادت

### فقط غصه پدرم را دارم



پدر شهید محمدرضا کلاته‌بجی از خاطرات فرزند ۱۵ ساله شهیدش این‌طور نقل می‌کند. «هنوز ۱۵ بهار از زندگی محمدرضا نگذشته بود که یک روز به خانه آمد و گفت پدر جان از گوشه و کنار ایران به ویژه در سوسنگرد اخبار ناگواری

به گوش می‌رسد. در سوسنگرد دختران را درون گورهای دسته‌جمعی زنده به گور می‌کنند.

چگونه ممکن است من اینجا در خانه باشم و در آن سر کشور دشمن، خواهرانم را زنده به گور کند. من این شرایط را نمی‌توانم تحمل کنم و باید به جبهه بروم.»

سه ماه از رفتن محمدرضا به جبهه گذشته بود که همزمانش به مرخصی آمدند اما محمدرضا گفته بود من این بار به مرخصی نمی‌روم تا این عملیات تمام شود. منظورش عملیات والفجر ۸ در منطقه طاووسیه بود که در آن زمان در خاک عراق قرار داشت.

در آن عملیات دشمن با آربی جی به سنگرهای رزمندگان ایران حمله می‌کند. محمدرضا همزمانش را به داخل تونل‌ها فرا می‌خواند اما خودش کنار سنگر و پشت به آربی جی بود که ناگهان از سوی دشمن آربی جی شلیک می‌شود و به پشت گردن محمدرضا اصابت می‌کند.

یکی از روزهای زمستان سال ۱۳۶۱ بود که از مغازه به خانه می‌آمدم و از دور دیدم مقابل منزل مان حمله‌گل و پارچه سیاه نصب می‌کنند و دست و پایم شل شد. در آن لحظه هنوز نمی‌دانستم چه بر سرم آمده است. پاهایم نای رفتن نداشت تا این‌که یکی از مسئولان پایگاه محله جلوی من آمد و شهادت محمدرضا را به من تبریک گفت.

یکی از همزمان محمدرضا نقل می‌کرد شبی در منطقه عملیاتی والفجر مقدّماتی نوبتی نگهبانی می‌دادیم و وقتی نوبت به محمدرضا رسید او را از خواب بیدار کردم، او با خوشحالی گفت: دوستان خواب دیدم اتاقی را برایم تمیز کرده بودند، از پشت پرده اتاق صدای آقایی می‌آمد که می‌گفت محمدرضا می‌خواهیم تو را داماد کنیم، عروس تو در خانه است.

دوستانش هم با خنده به او گفتند محمدرضا خودت را آماده کن می‌خواهی شهید شوی. محمدرضا در جواب دوستانش می‌گوید: من برای شهادت آمده‌ام فقط غصه پدرم را دارم که مریض است.»